



یادداشت امروز

توانسته ها و بایسته های منتقدان وضع موجود

■ زهرا طباطبائی

به قدر «اکثریت لازم» رای نیاوردن در انتخابات ناراحت کننده است. از یک طرف میل به پیروزی، احساساتی همچون ناامیدی و بی‌اعتمادی به ساختار و سازمان را در دلها بیدار می‌کند و از سوی دیگر ترس از تکرار تجربه شکست، بدبینی و بیگانگی با واقعیت را تقویت می‌کند. دقیقاً در همین وضعیت است که سازماندهی اجتماعی به کار تشکیلات می‌آید و از انشقاق و پراکندگی نیروها جلوگیری می‌کند. چند روز از انتخابات گذشته و کم‌کم وقت تحلیل و تدبیر در آنچه بر ما گذشت فرامی‌رسد. هدف یافتن پاسخ برای ۳ سوال مهم است: چه کردیم؟ چه شد؟ و چه باید کرد؟

■ نمردهی ۴۰ روزه

۱۹ فروردین ۹۶ نخستین روزی بود که «سیدابراهیم رئیسی»، نامزد نهایی منتقدان وضع موجود تصمیم خود برای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری را آشکار کرد. پس در واقع آنچه در پایان رقابت‌ها به دست آوردیم حاصل ۴۰ روز کار و تلاش ارزشمند نیروهای انقلاب و البته فداکاری بی‌نظیر مجاهدانی همچون «محمدباقر قالیباف» و سایر وزنه‌های سیاسی سازوکار جبهه مردمی است. یعنی درخت وحدت انقلابیون در ۴۰ روز میوه داد! بسیج ۱۶ میلیون ایرانی که قطعاً همگی «سویر انقلابی» و «استشهادی» نبوده و نیستند در این مدت زمان اندک با حوادث و چالش‌های سیاسی‌ای که بسادگی از قدرت پراکنده کردن جمعیت از محور وحدت برخوردار بود، قطعاً ناشی «پیروزی» است! یک پیروزی جریانی مهم و غیرقابل انکار که حاصل سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت است و دشمن و رقبا و ساده‌لوحان متحجر را وادار به اتحاد استراتژیک برای تضعیف اصل سازمان رای انقلابیون کرده است.

ایس روزها عده‌ای در گوش بچه‌های انقلاب می‌خوانند که اصولگرایی مرده است و شما همیشه شکست می‌خورید! بعضی می‌گویند این سازوکار اگر جواب می‌داد که همین دوره پیروز شده بودید! برخی دیگر می‌گویند چرا علیه انقلابیگری قیام نمی‌کنید؟ اینجا همان طایفه هستند و فقط اسم‌شان عوض شده است! جمعی طلب شورش می‌کنند و گروهی خواهش انشقاق از جمع دارند و طیفی نیز مکرر می‌گویند: ما می‌دانیم! سیاست‌تورزی نجس است! راه و رسم ماکیاوولی است. بنشینید تا «ساحب‌الزمان» (ص) ظهور کنند!

اگر به تاریخ رجوع کنیم نشانه‌های واضحی از حضور دائمی حامیان همه این طیف‌های ناسازگار و ناامید و ناتوان را در همه دوره‌ها می‌یابیم. پیشینه تاریخی اینها پیمای ناامیدی به مجاهدان انقلابی بوده و البته در بعضی برهه‌های تاریخی موفقیت‌هایی نیز به دست آورده‌اند. ساده‌لوحان‌شان «ابوموسی اشعری» را حکم می‌گیرند و زرنگ‌ترها گوش به فرمان معاویه هستند. پس عقل حکم می‌کند انرژی و توان جریان را صرف مبارزه و مجادله و حذف آنها نکنیم و به آسیب‌شناسی جریان خودی بپردازیم.

■ چند نفر هستیم؟

از بدیهیات شروع کنیم که همگی بر سر آن توافق داریم؛ وحدت سیاسی ۴۰ روزه از قدرت بسیج ۱۶ میلیون نفر برخوردار بود. اما آیا این همه ظرفیت جریان انقلاب است؟ البته که نه! بخش مهمی از جامعه ایرانی سیاسی نیست و مطالبات اجتماعی و اقتصادی بر زمین مانده‌اند جدی است. علاوه بر آن توجه به این مهم نیز ضروری است که جریان رقیب هر چه دارد حاصل «شبکه‌سازی اجتماعی» در سال‌ها و حتی دهه‌های گذشته است. کما اینکه انقلابیون نیز از اردوهای جهادی از دوره «شهید آوینی» و «مرحوم حاج عبدالله والی» مسؤول کمیته امداد و نماینده امام در منطقه محروم بشاگرد، کم نیروی مجاهد و پاکار نظام جذب نکرده‌اند. پس تلاش برای گسترش ساختار و سازمان سیاسی به حوزه مطالبات اجتماعی ضروری است.

■ شبکه‌سازی هوشمند

ما می‌توانیم با ایجاد سامانه‌های اینترنتی و البته مجوزدار، مطالبات متنوع مناطق مختلف را رهبری و هدایت نخیکان هر حوزه جمع‌آوری کرده و در طول مثلاً ۴ سال برای حل و فصل بخشی از مشکلات مردم و همصدا شدن برای پیگیری مطالبات آنها در پایتخت برنامه‌ریزی کنیم.



عکس: شمیم‌علا محمدیان، ایران

آیت‌الله جنتی:

سلامت انتخابات را تأیید می‌کنم اما تخلفات انتخاباتی مسؤولان گسترده بود

با کارگران مثل یک هفته پایانی بر خورد کنید!

■ میکائیل دهبانی

کارگران گوشت قربانی سیاست‌های سیاست‌بازانی هستند که کسب قدرت به هر نحوی برای‌شان اولویت دارد و این وسط کارگر و مطالبات کارگری برای‌شان تنها یک ابزار است برای رسیدن به قدرت! کارگران همان بازیگران سایه‌ای‌لشکر فیلمی هستند که در آن برخی مسؤولان نقش اصلی را دارد و با سیاست‌عکسبرداری رسانه‌ای‌اش تصویر از خود بسوز می‌دهد که اگر فیلمش را برای خودشان هم به نمایش بگذارید از فاصله آن با واقعیت خنده‌اش بگیرد!

همان موقع گفتیم واقعیت این جریان قدرت‌طلب آنجایی است که کارگر را زیر چرخ توسعه له می‌کند یا می‌خواهد دهانش را خرد کند و فریب این جریان آن است که پای درد کارگر می‌نشینند و می‌گویند «معدن‌چیان برای فریاد کشیدن بر سر بالاترین مقام رسمی احساس آرامش و راحتی کنند». روحانی دوشنبه در کنفرانس خبری گفت: «من خواهش می‌کنم همه رئیس‌جمهور را به عنوان منتخب ملت ایران در نظر بگیرند تا بتوانیم کشورمان را سرزنده‌تر و باتشاطر اداره کنیم. نشاط و سرزندگی مخالفی با دین و انقلاب و منافع ملی ندارد. جمله‌ای می‌گویم و خواهش می‌کنم از آن سوءاستفاده نشود. درباره کارگران و مطالبات آنها نوشتیم، همانجا هم این پیش‌بینی را کرده بودیم که روزهای پیش‌انتخاباتی اهمیت کارگر و مطالبات او بالا می‌رود و پس از آن نیز کارگران فراموش می‌شوند.

به معدن می‌روم تا معدن‌چیان با فریاد کشیدن بر سر بالاترین مقام رسمی احساس آرامش و راحتی کنند؛ این افتخار من است».

حسی «میزراق‌آبی» اردبیلی هم هنگامی اهمیت دارد که در همایش روحانی هنگامی که روحانی دارد حرف می‌زند، اشک‌هایش را نشان مردم دهیم که چه نشسته‌اید که حتی پابرهنه‌ها و محرومان و مستضعفان نیز خواهان «تکرار روحانی» هستند؛ فارغ از اینکه ذره‌ای کیفیت زندگی او را جابه‌جا کنیم و بفهمیم درد میزراق‌آبی نان شبی است که به سختی و مشقت بر سر سفره خانواده‌اش می‌برد.

آری! کارگران با همه دردها و غم‌های‌شان تنها برای زمانی کارکرد دارند که یک قدم از منویات سیاسی ما را جلو ببرند و الا واقعیت همان است که آن مرد پیرشده از کار طاقت‌فرسای معدن، گولستان خواست با سفر رئیس‌جمهور به معدن بورت آزادشهر به علت غم و اندوه بالای کارگران و التهاب خانواده‌های آنان مخالفت شود اما روحانی گفت: من رئیس‌جمهور زمان درد مردم و التهاب آنان هستم. اگر فریاد آنان در برابر من، سبب آرامش ملی خواهد شد من باید بروم؛ من تنها

«کارگر»ها چه وقت مهم هستند؟ و کسی از درجه اهمیت ساقط می‌شوند؟ این سوالاتی است که باید از دولتمردان پرسید. آنهایی که در روزهای منتهی به هر انتخابات از اهمیت و شرافت و عظمت این قشر اکثریت جامعه سخن می‌گویند و برای‌شان میتینگ تبلیغاتی می‌گذارند و با اسم خانه کارگر برای خود پوستر تبلیغاتی می‌زنند و رأی جمع می‌کنند! کارگران چه وقت مهم هستند؟ دقیقاً زمانی که در ساختمان پلانسکو حادثه‌ای رخ داده و چند صد کارگر بیکار شده‌اند و می‌شود در یک پروپاگاندای رسانه‌ای اعلام کرد حتی آنهایی که بیمه نبوده‌اند تحت پوشش بیمه خدمات قرار می‌گیرند! شاید بشود اینگونه از احساسات جامعه برای شکست رقیب سیاسی استفاده کرد!

کارگران چه وقت مهم هستند؟ آن هنگام که در یک مصیبت بشود روی نوروں‌های عصبی آنها قدم گذاشت و در میان کارگران داغ‌دیده معدن رفت و وقتی هم که با واکنش تند کارگران مواجه شدیم به سرعت توجیهاتی بسازیم که «استاندار گولستان خواست با سفر رئیس‌جمهور به معدن بورت آزادشهر به علت غم و اندوه بالای کارگران و التهاب خانواده‌های آنان مخالفت شود اما روحانی گفت: من رئیس‌جمهور زمان درد مردم و التهاب آنان هستم. اگر فریاد آنان در برابر من، سبب آرامش ملی خواهد شد من باید بروم؛ من تنها

روزنه

همین ۲-۳ روز پیش بود که نشست‌ی با حضور اکثر کشورهای مسلمان در عربستان به همراه آمریکا برای به اصطلاح ریشه‌کن کردن تروریسم برگزار شد؛ نشست‌ی که به وضوح جهت‌گیری اصلی آن ضد ایران و پسر از انواع اتهامات و تهدیدات علیه ایران بود. در این نشست عربستان قراردادی نزدیک به ۵۰۰ میلیارد دلار با آمریکا منعقد کرد که ۱۱۰ میلیارد دلار آن مربوط به فروش تسلیحات آمریکایی به عربستان است. رقمی که بیش از ۹ برابر بودجه دفاعی ایران در سال ۲۰۱۵ است. هر چقدر هم که معتقد باشیم این قراردادهای تسلیحاتی بیشتر نوعی دوشیدن کشورهای حاشیه خلیج‌فارس توسط ایالات متحده است، باز این مساله باعث کم‌رنگ شدن تبعات این تجهیز تسلیحاتی گسترده همسایگان جنوبی کشور برای ما نمی‌شود. عربستان سعودی آشکارا به تهدید ایران روی آورده است. وزیر دفاع عربستان تهدید کرده است «ایران را میدان جنگ می‌کنیم» و پرواضح است این شکرخوری آن شیخ‌بچه، به واسطه توانمندی‌های تسلیحاتی‌ای است که عربستان سعودی در همه این سال‌ها ایجاد کرده است و از طرف دیگر پیش‌بینی آنها را از رکود تقویت بنیه دفاعی ایران نشان می‌دهد. برجام و قطعنامه ۲۲۳۱، تحریم‌های سازمان ملل در زمینه تسلیحات و فناوری‌های موشکی بالستیک علیه ایران را (به ترتیب پس از ۵ و ۸ سال) لغو کرده‌اند و این به معنای یک فرصت ۸ ساله برای رقبای منطقه‌ای ایران برای هر چه بیشتر کردن فاصله قوای نظامی خود با ایران است.

به وضوح پس از برجام اظهارنظرهای خصمانه سعودی‌ها علیه ایران بیشتر و بی‌برده‌تر شده و مساله را از یک رقابت منطقه‌ای صرف بین ۲ کشور فراتر برده است. اطمینانی که تعطیلی برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و توقف روند رو به رشد آن به دشمنان منطقه‌ای ما داده است باید به سرعت با گزینه‌های پیشگیرانه جدی خنثی شود، در غیر این‌صورت روز به روز باید منتظر لفاظی‌های بیشتری از سوی عربستان سعودی به عنوان پدرخوانده دولت‌های مترجم و ثروتمند عربی حاشیه خلیج‌فارس باشیم. بسیار ضروری است موازنه قوای نظامی در این منطقه حفظ شود و این نه یک تصمیم جهانی برای یک منطقه حساس، بلکه تصمیمی کاملاً داخلی برای حفظ امنیت ایران است. امنیت ما را هیچ نهاد بین‌المللی و کشور خارجی تضمین نمی‌کند، این یک امر بدیهی است، لذا باید در این زمینه اطمینان خاطر کافی به مردم داده شود؛ مردمی که بشدت از همین دست موارد در رقابت‌های انتخاباتی ترسانده شده‌اند و یکی از دلایل محکم آن عده‌شان که به جناب روحانی رای داده‌اند بسیار مرتبط با چنین موضوعاتی بوده است؛ ترس‌هایی که روحانی مبنی بر آمدن رقیب و آغاز دوران تحجر و جنگ بوجود آورده بود و موجبات گرایش آرای سلبی رقیب برای او شد. جناب روحانی که مدعی برداشته شدن سایه جنگ احتمالی آمریکا به واسطه نوع سیاست‌تورزی‌اش از سر کشور است، باید توضیح دهد چه عاملی عربستان سعودی را چنین گستاخ کرده است؟ باقی‌ماندن محدودیت‌های ۸ ساله برای کشور در زمینه خرید قطعات و تسلیحات موشکی و همچنین تحریم جدید SV۲۲ آمریکا که مشخصاً برنامه موشکی کنونی کشور و سیاه پاسداران را هدف گرفته است، این فرصت طلایی را به عربستان هدیه کرده است. در این وضعیت گزینه‌های پیش روی ما چیست؟ یک گزینه آنچه دولت محترم در ۴ سال اول خود انجام داد و به احتمال زیاد بر مبنای آنچه روحانی در مناظرات انتخاباتی از در پیش بودن برجام‌های جدید گفت در ۴ سال آینده انجام می‌دهد، خواهد بود. حل و فصل مناقشه از راه از بن‌کنند محل مناقشه! همانند آنچه در برجام و پس از آن در پیوستن بدون قید و شرط و محرمانه به FATF صورت پذیرفت، به احتمال زیاد باید منتظر برجام‌های جدید در رابطه با برنامه موشکی و حمایت‌های منطقه‌ای ایران باشیم. اگر مساله توخالی حقوق بشر را هم به این موارد اضافه کنیم، مناقشه مهم دیگری بین ایران و ایالات متحده آمریکا باقی نخواهد ماند که نیاز به برنامه جامع اقدام مشترک جدیدی برای حل و فصل آن باشد. بر همین مبنا باید از استراتژی عقب‌نشینی تا پشت دیوارهای شهر سخن به میان آورد. تلاشی برای زدودن فشارهای چندجانبه که بر واضح است یک تغییر رفتار گسترده و معنادار خواهد بود.

نگاه امروز

بادست خود امنیت‌مان را از دست ندهیم!

■ سعید امیری

همین ۲-۳ روز پیش بود که نشست‌ی با حضور اکثر کشورهای مسلمان در عربستان به همراه آمریکا برای به اصطلاح ریشه‌کن کردن تروریسم برگزار شد؛ نشست‌ی که به وضوح جهت‌گیری اصلی آن ضد ایران و پسر از انواع اتهامات و تهدیدات علیه ایران بود. در این نشست عربستان قراردادی نزدیک به ۵۰۰ میلیارد دلار با آمریکا منعقد کرد که ۱۱۰ میلیارد دلار آن مربوط به فروش تسلیحات آمریکایی به عربستان است. رقمی که بیش از ۹ برابر بودجه دفاعی ایران در سال ۲۰۱۵ است. هر چقدر هم که معتقد باشیم این قراردادهای تسلیحاتی بیشتر نوعی دوشیدن کشورهای حاشیه خلیج‌فارس توسط ایالات متحده است، باز این مساله باعث کم‌رنگ شدن تبعات این تجهیز تسلیحاتی گسترده همسایگان جنوبی کشور برای ما نمی‌شود. عربستان سعودی آشکارا به تهدید ایران روی آورده است. وزیر دفاع عربستان تهدید کرده است «ایران را میدان جنگ می‌کنیم» و پرواضح است این شکرخوری آن شیخ‌بچه، به واسطه توانمندی‌های تسلیحاتی‌ای است که عربستان سعودی در همه این سال‌ها ایجاد کرده است و از طرف دیگر پیش‌بینی آنها را از رکود تقویت بنیه دفاعی ایران نشان می‌دهد. برجام و قطعنامه ۲۲۳۱، تحریم‌های سازمان ملل در زمینه تسلیحات و فناوری‌های موشکی بالستیک علیه ایران را (به ترتیب پس از ۵ و ۸ سال) لغو کرده‌اند و این به معنای یک فرصت ۸ ساله برای رقبای منطقه‌ای ایران برای هر چه بیشتر کردن فاصله قوای نظامی خود با ایران است.

به وضوح پس از برجام اظهارنظرهای خصمانه سعودی‌ها علیه ایران بیشتر و بی‌برده‌تر شده و مساله را از یک رقابت منطقه‌ای صرف بین ۲ کشور فراتر برده است. اطمینانی که تعطیلی برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و توقف روند رو به رشد آن به دشمنان منطقه‌ای ما داده است باید به سرعت با گزینه‌های پیشگیرانه جدی خنثی شود، در غیر این‌صورت روز به روز باید منتظر لفاظی‌های بیشتری از سوی عربستان سعودی به عنوان پدرخوانده دولت‌های مترجم و ثروتمند عربی حاشیه خلیج‌فارس باشیم. بسیار ضروری است موازنه قوای نظامی در این منطقه حفظ شود و این نه یک تصمیم جهانی برای یک منطقه حساس، بلکه تصمیمی کاملاً داخلی برای حفظ امنیت ایران است. امنیت ما را هیچ نهاد بین‌المللی و کشور خارجی تضمین نمی‌کند، این یک امر بدیهی است، لذا باید در این زمینه اطمینان خاطر کافی به مردم داده شود؛ مردمی که بشدت از همین دست موارد در رقابت‌های انتخاباتی ترسانده شده‌اند و یکی از دلایل محکم آن عده‌شان که به جناب روحانی رای داده‌اند بسیار مرتبط با چنین موضوعاتی بوده است؛ ترس‌هایی که روحانی مبنی بر آمدن رقیب و آغاز دوران تحجر و جنگ بوجود آورده بود و موجبات گرایش آرای سلبی رقیب برای او شد. جناب روحانی که مدعی برداشته شدن سایه جنگ احتمالی آمریکا به واسطه نوع سیاست‌تورزی‌اش از سر کشور است، باید توضیح دهد چه عاملی عربستان سعودی را چنین گستاخ کرده است؟ باقی‌ماندن محدودیت‌های ۸ ساله برای کشور در زمینه خرید قطعات و تسلیحات موشکی و همچنین تحریم جدید SV۲۲ آمریکا که مشخصاً برنامه موشکی کنونی کشور و سیاه پاسداران را هدف گرفته است، این فرصت طلایی را به عربستان هدیه کرده است. در این وضعیت گزینه‌های پیش روی ما چیست؟ یک گزینه آنچه دولت محترم در ۴ سال اول خود انجام داد و به احتمال زیاد بر مبنای آنچه روحانی در مناظرات انتخاباتی از در پیش بودن برجام‌های جدید گفت در ۴ سال آینده انجام می‌دهد، خواهد بود. حل و فصل مناقشه از راه از بن‌کنند محل مناقشه! همانند آنچه در برجام و پس از آن در پیوستن بدون قید و شرط و محرمانه به FATF صورت پذیرفت، به احتمال زیاد باید منتظر برجام‌های جدید در رابطه با برنامه موشکی و حمایت‌های منطقه‌ای ایران باشیم. اگر مساله توخالی حقوق بشر را هم به این موارد اضافه کنیم، مناقشه مهم دیگری بین ایران و ایالات متحده آمریکا باقی نخواهد ماند که نیاز به برنامه جامع اقدام مشترک جدیدی برای حل و فصل آن باشد. بر همین مبنا باید از استراتژی عقب‌نشینی تا پشت دیوارهای شهر سخن به میان آورد. تلاشی برای زدودن فشارهای چندجانبه که بر واضح است یک تغییر رفتار گسترده و معنادار خواهد بود.

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۳۳۱

تهدید تولید ملی

خرید کالای خارجی؛

0 107354 683291